

دکتر احمد رنجبر

دانشگاه تربیت معلم

شناسائی شهری از خراسان

و بحثی کوتاه

پیرامون دانشمندان آن

سخن در بارهٔ هریک از شهرهای ایران و سابقهٔ تاریخی آن‌ها موضوعی است که از زمان‌های گذشته مورد توجه صاحب نظران و ارباب علم و فضل بوده و هست، در این زمینه کتاب‌ها و مقاله‌های متعدد به چاپ رسیده است، با وجود این بسیاری از شهرهای ایران در زمان‌های گذشته منبع علم و فضل و کمال و دانش بوده، و دانشمندان و بزرگانی از آنجا برخاسته‌اند ولی به مرور در اثر سوانح مختلف روبه ویرانی و نابودی گذارده و هم‌اکنون به صورت ده کوره و یا بخشی گمنام درآمده و تنها نامی از آن‌ها برجای است. این است که برای بررسی اهمیت این شهرها و در نتیجه برای شناسائی سابقهٔ تمدن و فرهنگ کهن ایران لازم است دریک از آن‌ها به‌طور جداگانه و مفصل مورد بحث و بررسی قرار گیرد، بنابراین درصدد برآمدم که در این مقاله نامی از یکی از شهرهای کهن ایران بیاوریم تا راهی برای تحقیق پژوهندگان باشد. در این گفتار به اختصار یکی از شهرهای خراسان بزرگ به نام «سرخس» را مورد بحث و گفتگو قرار داده‌ایم، اگرچه ایزد تبتیق فوق‌العاده کوتاه و مختصر است ولی در حال روشی است پویندگان راه را.

واژهٔ سرخس: سرخس از نظر له ، معانی گوناگون است از آنجمله:

گیاهی است دارای ساقه‌های زیرزمینی...^۱

نام دارویی است که آن را گیل دارو گویند^۲. اما در اینجا منظور شهری است قدیمی از شهرهای خراسان بزرگ.

واژه سرخس را به دو گونه تلفظ کرده‌اند: گروهی برآنند: سرخس به فتح س و سکون ر و فتح خ^۳ است؛ برخی آن را به شکل سرخس (به فتح س و سکون خ) نوشته‌اند^۴ گونه اول در بعضی از کتاب‌های عربی^۵ و گونه دوم در کتاب‌های فارسی و کتاب‌های عربی دیده می‌شود، رودکی گوید:

پوپک دیدم به حوالی سرخس بانگک بر برده به ابراندرا

چادرکی دیدم رنگین بر او رنگ بسی گونه بر آن چادرا^۶

انوری نیز این واژه را به همین شکل ضبط کرده است آنجا که می‌گوید:

سرخس از جور بی آبی و آبی درینا روی دارد در خرابی

ز بی آبی خلاصش دادی، اما خداوندا خلاصش ده ز آبی^۷

فردوسی نیز سرخس را با فتح اول و دوم و سکون سوم آورده:

دگرسو سرخس و بیابان به پیش گله گشته بر دشت آهو و میش^۸

عبدالواسع جبلی نیز درباره سرخس می‌گوید: شنیده بودم زین پیشتر که

راه سرخس بود نشیمن آفات و مرکز احوال^۹. ابن خلکان نیز آن را به صورت

سرخس (به فتح اول و دوم و سکون سوم) ضبط کرده است^{۱۰}.

بنای سرخس

درباره بنیان گذار سرخس و همچنین زمان بنای آن روایات مختلف نقل

کرده‌اند: گروهی برآنند که کیکاوس بن افراسیاب^{۱۱} که اکنون سرخس نامند به

سرخس پسر گودرز به اقطاع داد، سرخس^{۱۲} آنجا شهری بنا نهاد؛ و به نام

او سرخس نامیده شد^{۱۳}. در زمان اردشیر دوم پسر اردشیر اول^{۱۴} رومیان

سکونت گزیده و به تعمیر و آبادانی آن پرداخته و نام آن را سرخس انتخاب کرده است^{۱۲} که شاید انتخاب این نام به واسطه اسم سرخس بن گودرز بوده، و گرنه هیچ رابطه‌ای بین سرخس و ذعار از نظر وجه تسمیه نمی‌تواند وجود داشته باشد مستشرقین به نقل از مورخین اسلامی بنیانگذار سرخس را کیکاوس یا افراسیاب یا ذوالقرنین دانسته‌اند^{۱۳} و به طوری که از افسانه‌های شاهنامه مستفاد می‌شود در زمان افراسیاب این شهر وجود داشته است:

بسه نخجیر گناه زد افراسیاب زیك دست ریگ و زیك دست آب
دگرسو سرخس و بیابانش پیش گناه گشته بر دشت آه و و میش^{۱۴}

باتوجه به گفتار تاریخ نویسان و جغرافی دانان اسلامی و مستشرقین می‌توان گفتار فردوسی را در شاهنامه درست دانست، ما نیز به پیروی از این حماسه سرای نامی ایران بانی سرخس را یکی از پادشاهان کیانی می‌دانیم، چون تحقیق دیگری هنوز در این زمینه نشده است ولی اگر بعد از این آثاری کشف شود یاسنگ نبشته‌ای به دست آید، خواهی نخواهی این نظریه به گونه‌ای دیگر توجیه خواهد شد.

فتح سرخس به دست مسلمانان و مطالعات فرنگی

سرخس در قرن اول هجری به دست مسلمانان گشوده شد و ضمیمه سرزمین های اسلامی گردید طبری در ضمن شرح فتوحات ابومسلم خراسانی گوید: «... دوروز در سرخس ماندیم و چون کسی پیش ما نیامد نصر به سوی طوس رفت و آن‌ها را از خیر ابومسلم آگاه ساخت و ۱۵ روز ماند بعد به نیشابور شدیم...»^{۱۵} این شهر در عهد الب ارسلان اهدیتی عظیم یافت به طوری که الب ارسلان آنجا را مقرر خود قرار داد، در حالات شیخ ابوسعید چنین آمده:

چون بعد از عهد شیخ نوبت به خواجه ابوطاهر رسید و پیر جمع و مقتدای اصحاب خواجه ابوطاهر شد سلطان الب ارسلان خواجه ابوطاهر را پدر خواند

وعظیم اعتقاد داشت تاوقتی که سلطان بیمارشد، خواجه ابوطاهر باجمع صوفیان به عیادت سلطان به سرخس برفتند، چون پیش سلطان درآمدند و عیادت کردند، سلطان خواجه ابوطاهر را گفت ای پدر ما فتحنما! خوان و بر من دم^{۱۶}

اهمیت مذهبی سرخس

سرخس از نظر مذهبی به واسطه وجود مزار چندتن از بزرگان عرفا و پیشوایان دینی درخور اهمیت است: صاحب تجارب السلف گوید: ... محمد بن جعفر صادق (ع) در سرخس مدفون است و تربت او در آن جا زیارتگاهی عظیم است، ...^{۱۷} مزار یکی از صوفیان بزرگ بنام ابوالفضل حسن نیز در این شهر است، این صوفی بزرگ مورد توجه عارف مشهور ابوسعید ابوالخیر بوده و در حالات ابوسعید در وصف این مرد چنین آمده است:

... چون به سرخس رسید از راه سرخاک پیرشد (منظور مزار ابوالفضل حسن است) و این بیت درخواست: معدن شادی است این و معدن جود و کرم قبله ما روی دوست و قبله هر کس حرم و گرد خاک شیخ ابوالفضل طواف می کرد و نعره می زد^{۱۸}. قبر خواجه ابوعلی زاهر در سرخس مورد توجه ارباب قلوب است^{۱۹}.

علماء، عرفا، دانشمندان و بزرگان سرخس

سرخس در روزگاران گذشته معدن علم و فضل و منبع عرفان و دانش بوده و بسیاری از علما و دانشمندان و عرفای بزرگ به این شهر منسوبند که در این کوتاه سخن به معرفی نام چندتن از آنان کفایت می شود:

ابوالعباس فضل بن سهل سرخسی برادر حسن بن سهل از بزرگان مشهور سرخس است که در سال ۱۹۰ ه. ق. به راهنمایی مأمون خلیفه عباسی اسلام

آورد. فضل به مقام وزارت مأمون نائل آمد و به لقب ذوریاستین ملقب شد، گویند در علم نجوم مهارت داشته است^{۲۰}. این وزیر دانشمند ایرانی در سال ۲۰۲ هـ. ق. به دست دشمنان خویش در سرخس به قتل رسید، در حالی که بیش از ۴۸ سال (به قولی ۴۱ سال) نداشت^{۲۱}. طبری سن او را ۶۰ دانسته است^{۲۲}. دیگر از بزرگان سرخس ابو محمد حسن بن سهل عبدالله سرخسی است که بعد از برادرش فضل به مقام وزارت مأمون رسید، و مأمون او را بر تمام نواحی که طاهر بن حسین دست یافته بود فرمان روا کرد، مردی بلند همت بود و شعرا را نیک می نواخت، یکی از شعرا در وصف او گفته است:

تقول خلیلتسی لمارأتنی أشد مطیتی من بعد حل
أبعد الفضل تر تحل المطایبا فقلت نعم الی الحسن بن سهل

حسن بن سهل در سال ۲۳۵ یا ۲۳۶ هـ. ق. در شهر سرخس بدرود زندگی گفته است^{۲۳} دیگر از متقدمین بزرگان سرخس، احمد بن طیب سرخسی است که به سال ۸۹۹ م. / ۲۸۶ هـ. ق. در بغداد بدرود زندگی گفته است وی در سرخس دیده به جهان گشوده، و پس از گذراندن دوران کودکی در زمره شاگردان کندی فیلسوف بزرگ در آمده است، و بعدها معلم معتضد خلیفه عباسی و ندیم او شد و از مشاورین شخص خلیفه به شمار می رفت، لیکن مانند دیگر بزرگان به امر خلیفه به قتل رسید. کتابهای بسیاری در موضوعات مختلف: (منطق، جغرافیا، موسیقی، تاریخ، ادب، علوم فلسفه، ریاضی، نجوم؛ سیاست و...) تألیف کرده است مانند: القیان؛ ادب الملوك؛ السياسة، الدلالة، اللهو والملاهی، الجلساء والمجالسة، الشطرنج، انولوطیقا، الأثرمطیقی، الجبر والمقابله، المدخل الی علم الموسیقی، المسالك والممالك، مذهب الصابین، الشاکین و...^{۲۴} مصنف الفهرست از شخصی به نام عبدالعزیز بن محمد سرخسی یاد می کند و در وصف او می گوید: «...کنیه اش ا، طالب بود و... در مسجد ترجمانیه مجلسی داشت یکی از کتابهای او الکبیر است که نایاب می باشد»^{۲۵}

یادآوری نام محمد بن عیسی سرخسی فقیه و محدث بزرگ نیز در خور اهمیت است، وی در خدمت محمد بن ادریس شافعی حدیث فرا گرفته و به سال ۳۸۹ ه.ق. بدرود زندگی گفته است.^{۲۶}

شیخ ابوالفضل محمد بن حسن سرخسی از عرفای اواخر قرن چهارم هجری است؛ که مولد و منشاء وی سرخس بوده و از مریدان و پیروان شیخ ابونصر سراج و خود پیر؛ استاد؛ مرشد و عارف کامل شیخ ابوسعید ابن ابوالخیر؛ مصنف تذکرة الاولیاء است؛ ابوسعید در وصف او گفته:

معدن شادی است این و منبع جود و کرم قبله ما روی یار و قبله هر کس حرم^{۲۷}
دیگر از بزرگان سرخس؛ امام ابوعلی زاهر است؛ و در شرح حالات شیخ ابوسعید در وصف او آمده است: بعد از آن قصد سرخس کرد (ابوسعید). نزدیک خواجه امام ابوعلی زاهر که محدث و مفسر بود و امام عهد؛ شیخ بامداد بروی تفسیر خواندی و نماز پیشین علم اصول؛ و نماز دیگر احادیث رسول؛ و تربت خواجه ابوعلی به سرخس است.^{۲۸}

در اینجا نام ابونصر زهیر بن حسن سرخسی؛ فقیه شافعی و مفتی خراسان نیز قابل ذکر است این فقیه دانشمند پیش ابو حامد اسفرائینی تحصیل کرده و از زاهر سرخسی روایت نموده است ابونصر در سال ۴۵۴- یا ۴۵۵ ه.ق. در سرزمین سرخس بدرود زندگی گفته است.^{۲۹}

خوب است نامی از ابوبکر محمد سرخسی؛ برده شود؛ وی از بزرگترین فقیهان حنفی ماوراءالنهر بوده است؛ در بخارا تحصیل کرده و در اوزکند به دربار قراخانیان پیوسته؛ لکن به سبب فتوایی که به خلاف میل خاقان حسن داد به زندان افتاد؛ و بیش از ۱۰ سال محبوس بود و در این مدت شاگردانش در زندان حاضر می شدند و وی^{۳۰} بر آنان می خواند و آنان می نوشتند؛ از تألیفات او^{۳۱} نفی (۱۴ جلد) و اصول

الفقه ۲ جلد؛ شرح السیر الکبیر ۴ جلد است؛ این دانشمند بزرگ به سال ۴۸۳ یا ۴۸۴ و به روایتی سال ۴۹۰ ه. ق. بدرود زندگی گفته است.^{۲۰}

یکی از دانشمندان بزرگ سرخس البزاز سرخسی است که از جمله فقهای بزرگ شافعی به شمار می رود و چنانکه باقوت گوید؛ کتابی در فقه دارد که از «الشامل» ابن الصباغ بزرگ تر است و مردم مرو آن را بر «الشامل» ترجیح می دهند، این فقیه بزرگ به سال ۴۹۴ ه. ق. در مرو مرده است.^{۲۱}

دیگر از دانشمندان و عرفای سرخس شیخ لقمان سرخسی است که این بطوطه نامی از او آورده است:

«... از مشهد الرضا به سرخس رفتیم که شیخ لقمان سرخسی از مردم آن شهر بوده است»^{۲۲} و از شیخ ابوسعید روایت کنند که یک روز از پیش خواجه ابوعلی می آمد و به شارستان سرخس رسید؛ تل خاکستر بود؛ لقمان مجنون بر آن تل خاکستر نشسته بود و وی از عقلای مجانین بوده است؛ و شیخ بسیار گفتی که لقمان آزاد کرده حق است از امر ونهی... وی دست ابوسعید را گرفت و به درخانقاه شارستان برد و...^{۲۳} شیخ عطار نیشابوری نیز از زبان لقمان سرخسی گوید:

گفت لقمان سرخسی کای اله پیرم و سرگشته و گم کرده راه^{۲۴}

محمد بن رضی الدین سرخسی از اکابر فقهای حنفیه بود؛ مدتی در حاب اقامت گزید؛ و سپس به دمشق رفت و در آنجا در گذشت و از کتاب های او: محیط الرضوی در فقه (۴۰ مجلد) و طریقه الرضویه را می توان نام برد؛ وی به سال ۵۴۴ ه. ق. بدرود زندگی گفته است.^{۲۵}

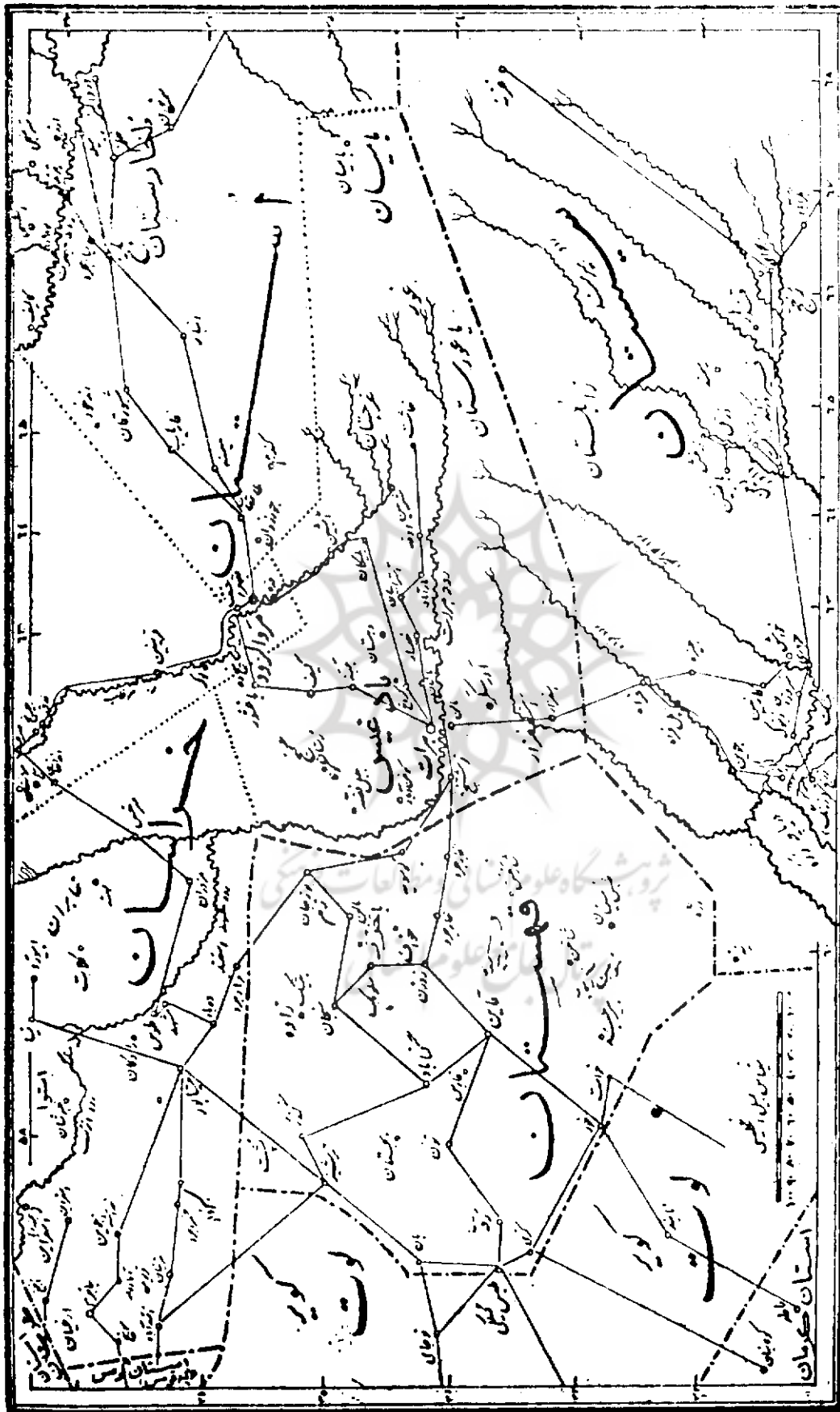
حدود و وسعت و آب و هوای سرخس

سرخس بین نیشابور و مرو قرار گرفته است.^{۲۶} این شهر در زمینی هموار (هامون) واقع است و آب جاری ندارد جز نهری که در قسمتی از سال جریان

پیدا می‌کند و آن هم زیاد ادامه نمی‌یابد.^{۳۷} بنابراین آب آشامیدنی مردم از چاه تامین میشود و کشت زارهای آنان نیز از آب چاه مشروب می‌گردد.^{۳۸} و قسمتی نیز دیمی است، این سرزمین از نظر وسعت نصف مرو است؛ اما شهری است آباد و دارای خاک سالم، و در بیشتر نواحی چراگاه وجود دارد؛ بنابراین پرورش چهارپایان در آن نیک انجام می‌شود.^{۳۹} و مرکز محمولات ماوراءالنهر و نواحی خراسان بوده است.^{۴۰} از نظر موقعیت جغرافیایی سرخس قدیم در ساحل شرقی رود تجن قرار داشته؛ اما جغرافی دانان قرون اولیه اسلامی یادی از این نهر و سر چشمه آن نکرده‌اند و همانطور که اشاره رفت، استخری و ابن حوقل و مؤلف حدود العالم می‌گویند در سرزمین سرخس خشک رودی از زیادی آب هرات بعضی از مواقع سال جریان دارد. بارتولد درباره سرخس گوید: شهر سرخس در قرن چهارم هجری به واسطه واقع شدن در سر راه نیشابور به مرو اهمیت تجارتنی خاصی داشت.^{۴۱} این نکته را بسیاری از جغرافی دانان و مورخین اسلامی نیز یادآور شده‌اند.

اما مطلبی که از وضع جدید سرخس برای ما مهم است و بارتولد به آن اشاره می‌کند این است که: «... در این زمان بعد از احداث راه آهن ماوراء خزر اهمیت سرخس فقط از نقطه نظر استراتژی است...»^{۴۲} در صورتی که در قرون اولیه اسلامی و حتی تا زمان ابن بطوطه از شهرهای بزرگ خراسان به شمار می‌رفته است ابن سیاح مشهور گوید: «... طغتمور بسا ۵۰ هزار سپاهی به نبرد سربداران رفت، لیکن شکست خورد و شهرهای سرخس، الزاوه و طوس که از بزرگترین شهرهای خراسان بودند به دست سربداران افتاد...»^{۴۳}

امروزه شهر سرخس سرحد بین ایران و روسیه است؛ سرخس قدیم که در طرف راست هری رود واقع است در تصرف دولت روس و سرخس نو در تصرف ایران است؛ سرخس روس در این زمان فقط صدخانه دارد و سرخس ایران دارای یک قلعه است که در سال ۱۸۵۰ م ساخته شده و دارای تعدادی



استان قزوین و خراسان و قزوین از سیستان

ساخلو است^{۴۴} این شهر از شمال و مشرق به ترکمنستان شوروی محدود است و مرکزش سرخس که طبق سرشماری سال ۱۳۳۵ ش ۳۴۶۱ نفر جمعیت دارد و در ۱۸۰ کیلومتری شمال مشهد بر راه شوسه مشهد به سرخس است، وهری رود از شمال این شهر میگذرد و محصولش کنجد؛ زیره و میوه است و دامداری در آن رایج و از انواع دام آن جاگوسفند قراگل مشهور است.^{۴۵}

روستاهای سرخس

از قریه‌ها و روستاهای سرخس که نامی از آنها در کتب جغرافیایی و تاریخی برده شده می‌توان روستاهای زیر را نام برد:

آندکان - قریه‌ای است از نواحی سرخس^{۴۶}. و قبر احمد حمادی زاهد نیز در آنجا است.^{۴۷}

بازرگان - بیهقی در وصف این ده گوید: «...رود و چشمه‌ای بسیار داشت و صحرای اورینگ و سنگ ریزه بسیار داشت...»^{۴۸}

بالوجوزجان - یکی از قرای سرخس و در راه هرات واقع است.^{۴۹}

بغاوزجان - قریه‌ایست در چهارفرسنگی سرخس و آن را «بغاوزجان» هم گویند.^{۵۰}

بیوقان - قریه‌ای است در سرخس^{۵۱}. و مطالعات فریبی

طلخاب - از توابع سرخس است؛ بیهقی گوید: «... چنانکه به طلخاب سرخس پیش آیند و جنگ آنجا کنند»^{۵۲}. در جای دیگر گوید: «... و جنگ به طلخاب و دیه بازرگانان خواهند کرد...»^{۵۳} و همو گوید: «... سواری سیصد نزدیک طلخاب و ما نزدیک منزل رسیده بودیم...»^{۵۴} این نام را در هیچ يك از کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی مورده مطالعه پیش از بیهقی ندیدم و احتمال دارد قبل از بیهقی این قریه وجود نداشته یا آنکه قریه‌ای کوچک و گمنام بوده که بدان اشاراتی نرفته است و ضمناً باید گفت که بطور قطع املاي این واژه باید به صورت «تلخاب» باشد که در تاریخ بیهقی با «ط» نوشته شده، چون به نظر

می‌رسد مقلوب واژه «آب تلخ» باشد.

مزدوران - دهستان مزدوران از شهر سرخس است و گردنه معروف مزدوران در آن قرار دارد، در این دهستان غاری است که گویند انتهای آن دیده نشده است.^{۵۵}

کتابنامه عقاله

- ابن بطوطه (محمد بن عبدالله... الطنجی) [م. سال ۱۳۷۸ م.]. الرحله (تحفة النظار وغرائب الامصار وعجائب الاسفار). - ط. اول؛ مصر؛ ۱۳۵۷ هـ / ۱۹۳۸ م. - قطع وزیری کوچک دو جلد در یک مجله؛ ۴۶۹ ص.
- ابن حوقل (ابوالقاسم) [م. سال ۹۷۷ م.]. - صورة الارض. - ط. دوم؛ لیدن؛ ۱۹۳۸ م. - قطع وزیری، دو مجلد؛ ۵۲۸ ص.
- ابن حوقل. - صورة الارض، ترجمة جعفر شعار. - ط. اول، تهران، ۱۳۴۵ ش. - قطع وزیری، ۳۶۹ ص.
- ابن خلکان (ابوالعباس شمس الدین...) [م. سال ۶۸۱ هـ. ق.]. - وفيات الاعيان. - ط. اول، قاهره؛ ۱۳۶۷ هـ / ۱۹۴۸ م. - قطع وزیری؛ ۶ مجلد.
- ابن الندیم (الندیم «محمد بن اسحاق») [م. سال ۳۸۰ هـ. ق.]. - الفهرست. - ط. اول؛ بیروت، ۱۹۶۴ م. - قطع وزیری بزرگ، ۳۶ ص.
- ابن الندیم (الندیم «محمد بن اسحاق»). - الفهرست، ترجمة م. رضاتجدد. - ط. دوم، تهران، ۱۳۴۶ ش. - قطع وزیری، ۶۴۴ ص.
- ابوسعید (ابوالخیر میهنی) [م. سال ۴۴۰ هـ. ق.]. - حالات و سخنان. - ط. اول، تهران. ۱۳۴۹ ش. - قطع وزیری کوچک، ۱۳۸ ص.
- استخری (ابواسحاق.. کرخی) [م. سال ۳۴۶ هـ. ق.]. - المسالك والممالك. - ط. اول، لیدن، ۱۹۲۷ م. - قطع وزیری، ۳۴۸ ص.

- استخری. مسالك وممالك، ترجمه ایرج افشار. - اول، تهران، ۱۳۴۰ ش. - قطع وزیری، ۲۷۶ ص.
- اسدی طوسی (ابونصر علی بن احمد) [م. نیمه دوم قرن ۵ ه. ق.]. - لغت فرس. - ط. اول، تهران، ۱۳۳۶ ش. - قطع وزیری کوچک، ۱۸۱ ص.
- اسفزاری (معین الدین محمد - مذمچی) [م. سال ۸۹۷ یا ۹۰۹ ه. ق.]. - روضات الجنات. - ط. اول، تهران، ۱۳۳۸ ش. - قطع وزیری، ۵۲۲ ص.
- انوری (اوحد الدین) [م. سال ۵۸۳ ه. ق.]. - دیوان. - ط. اول، تهران ۱۳۳۷ ش. / ۱۹۵۹ م. - قطع وزیری، دو مجلد، ۱۰۴۶ ص.
- بارتولد (ولادیمیر) [معاصر]. - تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور (طالب زاده). - ط. اول، تهران، ۱۳۰۸ ش. - قطع وزیری کوچک.
- برهان (محمد حسین ابن خلف تبریزی) [م. قرن ۱۱ ه. ق.]. - برهان قاطع. - ط. اول، تهران، ۱۳۴۱ ش. - قطع وزیری، ۱۲۶ ص.
- بیهقی (ابوالفضل) [م. سال ۴۷۰ ش.]. - تاریخ بیهقی. - ط. اول، تهران ۱۳۲۴ ش. - قطع وزیری بزرگ، ۶۹۱ ص.
- جبلی (عبدالواسع) [م. سال ۵۵۵ ه. ق.]. - دیوان. - ط. اول، تهران، ۱۳۳۹ ش. - قطع وزیری بزرگ، ۴۵۲ ص.
- حافظ ذهبی [م. سال ۷۴۸ ه. ق.]. - العبر فی خبر من غیر. - ط. اول، کویت، ۱۹۶۰ م. - قطع وزیری، ۳ مجلد، ۱۱۸۵ ص.
- حدود العالم (مؤلف) [تألیف. سال ۳۷۲ ه. ق.]. - ط. اول، تهران؛ ۱۳۵۲ ه. ق. - قطع جیبی.
- دهخدا (علی اکبر) [م. سال ۱۳۳۴ ش.]. - لغت نامه. - ط. اول، تهران، قطع رحلی.
- صنیع الدوله (محمد حسن خان) [م. اوائل قرن ۱۴ ه. ق.]. - مرآة البلدان

- ط. - اول، تهران، ۱۲۹۷ هـ. ق. قطع رحلی، ۳۷۷ ص.
- صنایع الدوله. - مطلع الشمس. - ط. اول، تهران، ۱۳۰۲ هـ. ق. قطع رحلی، ۷۹۸ ص.
- طبری (ابوجعفر محمد بن حریر) [م. سال ۳۱۰ هـ. ق.]. - تاریخ الامم والملوک. - ط. اول، قاهره ۱۳۵۷ هـ. ق. ۱۹۳۹ م. - قطع وزیری، ۸ مجلد، ۴۳۹۷ ص.
- عطار (شیخ فریدالدین) [م. حدود ۵۴۰-۶۱۸ هـ. ق.]. - تذکرة الاولیاء. - ط. چهارم، تهران؛ قطع وزیری، دو جلد در یک مجلد، ۵۸۵ ص.
- غربال (محمد شفیق) معاصر. - الموسوعة العربية المیسره. - ط. اول مصر، ۱۳۸۵ هـ. ن. / ۱۹۶۵ م. - قطع وزیری بزرگ، ۲۰۰۰ ص.
- فردوسی (حکیم ابوالقاسم) [م. سال ۴۱۱ هـ. ق.]. - شاهنامه. - ط. اول شوروی، ۱۳۴۵ ش ۳۱۹۶۶ - قطع وزیری بزرگ، ۹ مجلد، ۳۱۳۰ ص.
- قزوینی (زکریا بن محمد بن محمود) [م. سال ۱۲۸۳ م.]. - آثار البلاد و اخبار العباد. - ط. اول، بیروت، ۱۳۸۰ هـ. ق. / ۱۹۶۰ م. - قطع وزیری، ۶۲۱ ص.
- مقدسی (شمس الدین... محمد بن احمد بن ابی بکر البیضاء الشامی) [م. قرن ۴ هـ. / ۱۰ م.]. - احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. - ط. دوم، لیدن، ۱۹۰۶ م. - قطع وزیری بزرگ، ۴۹۸ ص.
- میرزایف (عبدالغنی) [معاصر]. - رودکی و آثار منظوم او. - ط. اول، استالین آباد، ۱۹۵۸ م. قطع وزیری کوچک، ۶۴۶ ص.
- نخجوانی (محمد بن هندوشاه) [م. بعد از سال ۷۲۴ هـ. ق.]. - تجارب السلف. - ط ۵ دوم، تهران، ۱۳۴۴ ش. - قطع وزیری، ص ۳۶۰.
- یاقوت (شهاب الدین، ابو عبدالله) [م. سال ۱۲۲۸ م.]. - معجم الادباء. - ط. دوم، بیروت، ۱۹۲۲ م. - قطع وزیری، ۲۰ جلد در ۱۰ مجلد.

یاقوت . . معجم البلدان . ط . اول، پاریس، ۱۹۲۴ م. - قطع وزیری
 ۴ مجلد .

غیر از کتاب‌های فوق از مراجع دیگری مانند الاعلام زرکلی، نامه
 دانشوران ناصری، فرهنگ جغرافیائی ایران، اشعار عطار نیشابوری، دائرة
 المعارف اسلامی دائرة المعارف فارسی مصاحب و... استفاده شده که مشخصات
 و نام و نشان آن‌ها را در حواشی می‌توان یافت.

حواشی

- ۱- برهان، ماده سرخس. نیز رك به دهخدا، لغت‌نامه، ماده سرخس. مصاحب،
 دایره، ماده سرخس.
- ۲- دهخدا، لغت‌نامه، ماده سرخس. در فرهنگ جهانگیری به معنی دارویی است که
 بر ساحل دریای خزر یافت می‌شود.
- ۳- یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۷۲.
- ۴- اقرب الموارد، ماده سرخس (در این فرهنگ سرخس شهری عظیم از خراسان شمرده
 شده است).
- ۵- یاقوت، معجم الادباء، ج ۱۷، ص ۲۳۲ (تحت عنوان: شرح حال محمد بن احمد
 گرگانجی). نیز رك به همان کتاب، ج ۱۳ ص ۷۶ (تحت عنوان: علی بن حسن عساکری)
 همان کتاب، ج ۱۱، ص ۶، (تحت عنوان، شرح حال جعفر بن ثروان ثعلبی).
- ۶- میرزایف، رودکی و... ص ۴۴۶. نیز رك به اسدی طوسی، ص ۹۹.
- ۷- انوری، دیوان، ج ۲، ص ۷۳۲.
- ۸- فردوسی، شاهنامه، ج ۲، ص ۱۵۸ (تحت عنوان: رزم کاوس با شاه هاماوران).
- ۹- جبلی، دیوان، ص ۲۴۱.
- ۱۰- ابن خلکان، وفيات، ج ۱، ص ۳۹۱ نیز همان کتاب، ج ۳، ص ۲۱۲.
- ۱۱- یاقوت، معجم البلدان ج ۱، ص ۷۲ نیز رك به قزوینی، ص ۳۹۰.
- ۱۲- یاقوت، معجم البلدان ج ۳، ص ۷۱.
- ۱۳- EACYCLO . OPI . V.4 . P . 164

- ۱۴- فردوسی، ج ۲، ص ۱۵۸ (تحت عنوان: رزم کیکاوس باشاہ ہاموران)
- ۱۵- طبری، ج ۶، ص ۴۷
- ۱۶- ابوسعید، حالات و سخنان، ص ۱۲۳.
- ۱۷- تجوانی، تجارب السلف، ص ۱۶۰، نیز رک بہ صنیع الدولہ، مطلع الشمس، ج ۱، ص ۵۸.
- ۱۸- ابوسعید، حالات و سخنان، ۱۲۳.
- ۱۹- همان کتاب، ص ۱۴.
- ۲۰- ابن خلکان، وفيات، ج ۳، ص ۲۰۹-۲۱۲. نیز رک بہ Ofi. V.4.p. 164.
- Encyclo
- ۲۱- ابن خلکان، وفيات، ج ۳، ص ۲۱۲. نیز رک بہ حافظ ذہبی، العبر، ج ۱، ص ۳۳۸.
- ۲۲- طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۷، ص ۱۴۸، نیز رک بہ ابن خلکان، وفيات، ج ۳، ص ۲۱۲.
- ۲۳- ابن خلکان، وفيات، ج ۱، ص ۳۹۰-۳۹۱، نیز رک بہ طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۷، ص ۳۶۵.
- ۲۴- النديم، الفهرست، ص ۲۲۶. نیز رک بہ یاقوت، معجم الادباء، ج ۳، ص ۱۰۲-۹۸، غربال، ص ۲۰-۲۱. م انسانی و مطالعات فرہنگی
- ۲۵- النديم، الفهرست، ص ۱۱۸.
- ۲۶- یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۷۲.
- ۲۷- عطار، تذکرہ، ج ۲، ص ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵. نیز رک بہ ابوسعید، حالات و سخنان، ص ۲۵، نامہ دانشوران، ج ۷، ص ۱۰۸، ۱۱۰. همین مقالہ، ص ۴:
- ۲۸- ابوسعید، حالات و سخنان، ص ۱۴.
- ۲۹- حافظ ذہبی، العبر، ج ۳، ص ۲۳۲.
- ۳۰- مصاحب. دایرہ، مادہ سرخس. نیز رک بہ زرکلی، الاعلام، ج ۳، ص ۴۸.
- ۳۱- یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۷۲.
- ۳۲- ابن بطوطہ، ج ۱، ص ۲۵۲.
- ۳۳- ابوسعید، حالات و سخنان، ص ۱۷. نیز رک بہ عطار، تذکرہ ج ۲، ص ۲۷۲.

- ۳۴- عطار ، منطق الطیر . ص ۱۹۱ .
- ۳۵- زرکلی ، الاعلام ، ج ۳ ، ص ۹۷۱ .
- ۳۶- استخری ، ص ۲۷۲ ، نیز رك به ابن حوقل ، ص ۱۷۹ . قزوینی ص ۳۹۰ .
 یاقوت ، ماده سرخس Encyclo,Of 1.V,4 . P. 154 ، نقشه صفحه بعد ملاحظه شود .
- ۳۷- مقدس ، ص ۳۱۲-۱۳۳ . مؤلف حدود العالم گوید: ... وایشان را یکی خشک رود است که اندرمیان بازار می گذرد و به وقت آب خیز (مقصود سیل است) اندروآب رود وبس (حدود العالم، ص ۵۷) .
- ۳۸- مقدسی، ص ۳۱۲ ، ۳۱۳ .
- ۳۹- مقدسی ، ص ۳۱۲-۳۱۳ .
- ۴۰- استخری ، ص ۲۷۲ ، نیز رك به ابن حوقل ، ص ۱۷۹ . حدود العالم، ص ۵۷ و ۵۸ .
- ۴۱- بارتولد ، تذکره ، ص ۱۱۵ .
- ۴۲- بارتولد، تذکره ، ص ۱۱۵ ، نیز رك به . (S.N.),social Forces...P.41 .
- Fisher
- ۴۳- ابن بطوطه، ج ۱ ، ص ۲۴۸ .
- ۴۴- بارتولد ، تذکره ، ص ۱۱۵ .
- ۴۵- مصاحب ، دایره ، ماده سرخس . نیز رك به فرهنگ جغرافیائی ایران ، ج ۹ در فرهنگ جغرافیائی ایران جمعیت مرکز سرخس ۵۰۰۰ نفر و جمعیت کل سرخس ۳۵۴۸۳ نفر ذکر شده است .
- ۴۶- یاقوت ، معجم البلدان ، ماده اندکان ، نیز رك به بغدادی ، ماده اندکان . صنیع الدوله ، مرآة ، ج ۱ ، ص ۹۶ .
- ۴۶- یاقوت ، معجم البلدان ج ۱ ، ص ۳۷۵ .
- ۴۷- بیهقی ، ص ۵۸۱ .
- ۴۸- یاقوت، ماده بالووزجان . نیز رك به بغدادی، ماده بالووزجان، صنیع الدوله مرآة ، پ ۱ ، ص ۱۶۱ .
- ۴۹- یاقوت ، ماده بغاوزجان . نیز رك به بغدادی ، ماده بغاوزجان، صنیع الدوله مرآة ، ج ۱ ، ص ۲۲۹ .

- ۵۰- یاقوت، معجم البلدان، مادہ بیوقان، نیز ركبہ بغدادی، مادہ بیوقان. صنیع الدولہ
 مرآة ، ج ۱ ، ص ۲۲۷ .
 ۵۱- بیہقی ، ص ۵۴۲ .
 ۵۲- بیہقی ، ص ۵۷۰ .
 ۵۳- بیہقی ، ص ۵۷۱ .
 ۵۴- مقدسی ، ص ۳۱۲-۳۱۳ .



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
 پرتال جامع علوم انسانی